

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۳۰

نگرشی بر عملکرد مبلغان پروتستان در یزد عهد قاجار

علی اکبر تشکری^۱

چکیده

به دنبال شکل‌گیری مبلغین تیشیری در غرب، انجمن تبلیغی کلیسا با تکیه بر نفوذ انگلیس در ساختار سیاسی ایران؛ اصفهان را کانون استقرار خود ساخته و پس از تعیین سرحدات تبلیغی با پرزبیتری‌ها، درصدد بسط قلمرو به یزد، کرمان و شیراز برآمد. در این میان گرچه بُعد مسافت یزد از مراکز تحول خیز و امنیت نسبی؛ تضمینی بر حضور و بقای سه اقلیت زرتشتی، یهودی و بهائی بشمار می‌رفت، اما در خال وجود هم‌کیشان مسیحی، انجمن تبلیغی کلیسا جذب اقلیت‌های مذکور و خاصه زرتشتیان را فرصتی مغتنم شمرده؛ برای جلوگیری از تحریک احساسات دینی مسلمین، اهداف تبلیغی خود را در قالب ارائه خدمات درمانی و آموزشی پوشیده داشت. باوجود حمایت سیاسی انگلیس و حکومت مرکزی در تضمین بقای انجمن، اوج درخشش مبلغین را می‌توان تا وقایع مشروطیت دانست که با ساخت بیمارستان، مدرسه و توزیع اعانه میان مستمندان شیوه‌های مختلفی را برای جذب نوکیشان به آزمون گذاردند. بر این اساس پژوهش حاضر می‌کوشد تا کارکرد این انجمن در حوزه‌های درمانی، آموزشی و دیگر تدابیر جذب نوکیش را به بحث گذارد.

واژگان کلیدی: قاجاریه، انجمن تبلیغی کلیسا، بیمارستان مرسلین، ناپیر مالکوم، یزد.

Investigating the Activities of protestant Missionaries in Yazd During the Qajar Dynasty

A. A. Tashakori¹

Abstract

Following the formation of the Evangelical missionaries in the west, the church missionary society chose Isfahan as their base in Iran, relying on the British influence on the political structure of Iran. Upon determining their missionary boundaries with the Presbyterians, they decided to expand their territories to Yazd, Kerman and Shiraz. Iran Yazd was far from the volatile center of the country and had relative peace to warrant the presence and maintenance of Zoroastrians, Jewish and Bahai minorities. In the absence of Christian fellowmen, the church missionary society seized the opportunity to attract minorities, specially the Zoroastrians. To avoid arousing Muslims religious sensitivities, they carried out their missionary activities under the guise of health and education services. Enjoying the Britain and the central government political supports, they were quite successful until the constitution events. They tried to attract new converts by implementing different means such as establishing hospitals and schools and distributing relief donations among the poor. The present research is an attempt to investigate the activities of this society in attracting new converts through health and education establishments.

Keywords: Qajar Dynasty, church missionary society, Morsalin Hospital, Napier Malclom, Yazd.

1- Assistant Professor of Yazd University
Email:atshakory@yahoo.com

مقدمه

چنانکه از سرآغاز مناسبات سیاسی ایران و غرب در عصر ایلخانی برمی‌آید، پرچمداری مسیحیت کاتولیک و جذب متحد برای دفع رقبای مشترک؛ دو شاخصه‌ی روابط اروپای قرون وسطی با ایران بشمار می‌رفت. این رویکرد که با چیرگی تدریجی عقلی‌نگری، اروپا را به عصر سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی رهنمون ساخت در تغییر مناسبات جهانی نیز اثرگذار گردیده و غرب مجهز به تکنیک، سراغ شرق سنتی آمد. در بُعد فرهنگی هرچند رنسانس با عقب‌نشینی کلیسای کاتولیک پرچمدار تحولات اروپا گردید اما بازتولید مسیحیت در قالب جنبشی اصلاحی روابط سرمایه‌داری و مذهب را با کارکردی جدید نمودار ساخت.

بدین ترتیب ایران در شرایطی پای به قرن نوزدهم نهاد که به‌رغم تداوم زیر ساخت‌های سنتی؛ چاره‌ای جز ورود به گردونه‌ای از تعامل و تضاد دولت‌های اروپایی نداشت. همپای این موضوع، نقش محوری جوامع صنعتی در ظهور و بسط انجمن‌های تیشیری باعث شد تا دول برتر اروپایی حمایت از بنیادهای نوظهور مسیحی را دستاویز رخنه در باور جامعه‌ی اسلامی قرار دهند. چنانکه در تأیید ادعای مذکور می‌توان به کارکرد انجمن تبلیغی کلیسا استناد جست که متکی بر نفوذ سیاسی انگلیس و با استفاده از دستاوردهای نوین آموزشی و درمانی به یکی از دو نماد بارز فعالیت مبلغین مسیحی در ایران شهرت یافت. این انجمن که نخستین بار باهدف جذب آرامنه در اصفهان ابراز وجود نمود پس از تثبیت موقعیت؛ حوزه‌ی تبلیغ و دامنه‌ی فعالیت خود را به یزد، کرمان و شیراز گسترده کرد. در رابطه با پیشینه تحقیق گفتنی است صفورا برومند در کتاب «پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در دوره قاجاریه» به توصیف و بررسی کارکرد این انجمن در سطح ایران پرداخته است. در این راستا هم‌چنین می‌توان به آثار پژوهشگرانی استناد جست که نقش و کارکرد دیگر انجمن‌های تبلیغ مسیحیت در این دوران را به بحث گذارده‌اند. جان الدر در کتاب «تاریخ میسیون‌های آمریکایی در ایران»، آندراس والد برگر «میلغان آلمانی در ایران»، ورا اردلی «هنری مارتین» از جمله محققانی بشمار می‌روند که در پژوهش‌های خود گوشه‌هایی از عملکرد این انجمن‌ها را ترسیم نموده‌اند.

بر این مینا مقاله حاضر می‌کوشد تا نخست با گذاری بر زمینه شکل‌گیری انجمن تبلیغی

کلیسا و در بستری از شرایط اجتماعی- فرهنگی یزد سازوکارهای مبلغین تبشیری را با محوریت نوشتار ناپیر مالکوم^۱ و متکی بر شیوه تحلیل تاریخی به بحث گذارده و از این رهگذار پاسخگوی چند سؤال اساسی باشد. چه تناسبی میان حضور اقلیت‌های دینی در یزد با تمایل انجمن به فعالیت در آنجا وجود داشت؟ شیوه‌های تبلیغی مبلغان در رابطه با زرتشتیان، یهودیان و بهائیان چگونه بود؟ استفاده از خدمات آموزشی و درمانی چه تأثیری بر تثبیت موقعیت انجمن داشت؟ و مبلغان در جذب مسلمانان از چه تدابیری بهره می‌گرفتند؟

شکل‌گیری انجمن تبلیغی کلیسا و فعالیت در ایران

در نیمه‌ی دوم قرن هیجدهم، پیشتازی انگلیس در ظهور صنایع نوین باعث شد تا در پی تعامل دوسویه‌ی سرمایه‌داری و مسیحیت (حائری، ۱۳۶۶: ۲۹۰)، این کشور به کانون شکل‌گیری انجمن‌های پروتستان نام بردار گردد.^۲ در این میان «انجمن برای تبلیغ در آفریقا و شرق»^۳ (۱۲۱۴ ق/ ۱۷۹۹ م) که در نیمه‌ی نخست قرن نوزدهم به «انجمن تبلیغی کلیسا» تغییر نام یافت، سوّمین حلقه از ظهور کلیسای انجیلی انگلیس به شمار می‌رفت (waterfield, 1973: 147). باآنکه انجمن در نخستین سال‌های تأسیس؛ خلأ عدم موفقیت در جذب مبلغ را با گرایش به ترجمه متون دینی به زبان‌های چینی و فارسی پر نمود، اما نسبت به دیگر انجمن‌ها ابراز وجود و استقرارش در ایران با تأخیر صورت پذیرفت.

حضور مبلغان ارتدوکس، کاتولیک، لازاری (۱۲۵۶ ق/ ۱۸۴۰ م) (سرسی، ۱۳۶۸: ۱۹۹؛ احمدی، ۱۳۷۸: ۴۴)، هیئت دختران سن ونسان دوپل (حدود سال ۱۲۵۶ ق/ ۱۸۴۰ م) (اوبن، ۱۳۶۲: ۷۴)، شاخه‌های مختلفی از انجمن‌های پروتستان نظیر هیئت تبلیغی بازل از

۱- Napier Malcolm مبلغ و پایه‌گذار مدرسه مرسلین انگلیسی در یزد که در کتابی زیر عنوان: Five Years in a Persian Town بر مبنای شرایط اجتماعی - فرهنگی منطقه به شرح اقدامات خود در تبلیغ مسیحیت پرداخته و در واقع تنها اثر از مبلغان پروتستان بشمار می‌رود که نویسنده طی پنج سال اقامت در این ولایت به راهکارها و شیوه تبلیغ در آنجا می‌پردازد. این اثر با عنوان «خاطرات مالکوم: پنج سال در یکی از شهرهای ایران» توسط نگارنده ترجمه و منتشر گردیده است.

۲- از جمله‌ی این انجمن‌ها می‌توان به انجمن تبلیغی باپتیست (Baptist Missionary society) (۱۷۹۲ م/ ۱۲۰۷ ق)، انجمن تبلیغی لندن (London Missionary society) (۱۷۹۵/۱۲۱۰ م)، انجمن تبلیغی گلاسکو (Glasgow Missionary society) (۱۷۹۶ ق/ ۱۲۱۱) و انجمن رساله‌های مذهبی (Religious tract Missionary society) (۱۷۹۹/۱۲۱۴ م) اشاره نمود.

3- Society for Mission in Africa and the East

آلمان (۱۲۶۷ ق / ۱۸۳۲ م)، پرزبیتری‌ها از آمریکا (۱۲۶۷ ق / ۱۸۳۲ م) (الدر، ۱۳۳۳: ۵۲؛ ناطق، ۱۳۶۸: ۱۸۴) و انجمن‌های: «اشاعه‌ی مسیحیت در میان یهودیان» (CMJ)، «هیئت سراسقف اعظم کانتربوری برای آسوریان - نسطوریان»، بیانگر سطح گسترده‌ای از تلاش اروپائیان جهت بسط نفوذ و کسب اطلاعات از طیف‌های مختلف اجتماعی ایران بود.

بهر روی، در بستری از گستردگی نفوذ سیاسی انگلیس میان دولتمردان (Spellman, 162: 2004)، رقابت با دیگر هیئت‌های مسیحی، سفر هنری مارتین (برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی اقدامات مارتین در ایران نک: اردلی، ۱۳۴۱: ۱۳۶ - ۱۱۱، ۲۲، ۱۳۷؛ برومند، ۱۳۸۱: ۱۱۲-۹۲) و گزارش‌های مبلغین منفرد^۱، انجمن تبلیغی کلیسا ضمن موافقت با اسکان مبلغی به نام رابرت بروس^۲ در جلفای اصفهان، فعالیت رسمی خود را آغاز نموده (۱۸۷۵ م/۱۲۹۱ق) و به دنبال استقرار و تعیین قلمروی تبلیغ با پرزبیتری‌های آمریکایی^۳ درصدد بسط حوزه به مناطق یزد، کرمان و شیراز برآمد.

ترکیب جمعیت، موقعیت تجاری و مؤسسات تمدنی غرب در یزد

بنابر داده‌های سفرنامه نویسان عصر قاجار، جمعیت یزد را با احتساب شهر و روستاها می‌توان بین پنجاه تا شصت هزار نفر تخمین زد (سایکس، ۱۳۶۳: ۴۱۷) که از حیث دینی در چهار طیف: شیعیان، زرتشتیان - با تقریب ۷۰۰۰ نفر (کرزن، همان: ۲/۲۹۳) - یهودیان - حدود پنجاه خانوار (Amanat, 1936: 132) - و جماعتی از بهائیان گروه‌بندی می‌شدند. گذشته از اکثریت شیعی، دیرینگی و دوام حضور زرتشتیان و یهودیان ضمن کاستن از یکنواختی جمعیت، تأثیری خاص بر گسترش حق شهروندی بدیشان داشت.

۱- از جمله این افراد می‌توان به پیتر گوردون (۱۸۲۰/۱۲۳۵ق)، آنتونی نورس گرووز (۱۸۲۹م/۱۲۴۵ق)، جان کیتو (۱۸۳۳/۱۲۴۹ق) و ژوزف ولف (۱۸۲۴م/۱۲۳۹ق) اشاره نمود (waterfield, ibid: 99؛ رایت، ۱۳۵۷: ۱۲۶، ۳۵).

۲- مبلغی ایرلندی و از اعضای کالج تئلیت دوبلین که به‌عنوان کشیش به پنجاب هند رفت. با توجه به گویش فارسی اهالی آن سامان؛ بروس تصمیم گرفت تا برای تکمیل زبان فارسی خود و اصلاح ترجمه انجیل هنری مارتین مدتی در ایران به سر برد. او ضمن ویرایش عهد عتیق و جدید، متنی فراهم آورد که تاکنون مرجعی برای مسیحیان ایران می‌باشد (برای اطلاعات بیشتر نک: کرزن، ۱۳۴۹: ۷۲/۱).

۳- در سیزدهمین مجمع سالانه هیئت‌های تبلیغی در تهران (۱۸۹۵م/۱۳۱۳ق)، انجمن‌های پروتستان آمریکایی و انگلیسی حوزه‌ی فعالیت خود را بر مبنای مدار سی و چهار درجه جغرافیایی به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم کرده؛ شمال به آمریکایی‌ها و جنوب به انگلیس‌ها تعلق گرفت (Laster 98: 1973).

بخش دیگر جمعیت یزد را بهائیان تشکیل می‌دادند که ضمن آبشخور ذهنی از شیخ احمد احسائی^۱، سابقه حضور مبلغین باب^۲ و نیز اسکان دایی‌های^۳ (فیضی، ۱۲۷ بدیع: ۱۲۵، ۱۰۰، ۵۷، ۳۵، ۱۹) وی در این شهر را زمینه مستعدی برای فعالیت یافتند.

در مجموع شاید بتوان دلیل ماندگاری اقلیت‌های یاد شده در بافتی مشهور به تعصب دینی را از زاویه‌ی موقعیت تجاری منطقه محل توجه قرار داد. یزد در گستره‌ی تاریخ خود به واسطه‌ی بُعد مسافت از مراکز تحول خیز و عدم هم‌جواری با ایلات همواره از دو شرط اساسی رشد صنعت و تجارت یعنی امنیت و آرامش نسبی برخوردار بود. این دو مورد به انضمام قرار داشتن در گلوگاه ارتباطی ایران از یکسو عدم استعداد شرایط زیست‌محیطی منطقه در اتکا به اقتصاد کشاورزی را کمرنگ می‌نمود و از دیگر سو آن را به مرکزی صنعتی-تجاری ارتقا می‌داد. در چنین بستر مستعدی، از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، ایجاد تغییراتی در مسیرهای بازرگانی ایران و غرب، گشایش کانال سوئز و رشد تجارت جنوب با هند، یزد را به چنان جایگاهی ترقی داد که علاوه بر رشد صرافی و جذب تجار دیگر مناطق، توسعه‌ی روابط بازرگانی آن با دیگر کشورها را باعث شد (تشکری، ۱۳۸۹: ۸-۷، ۲).

بدین ترتیب، عامل تجارت نه تنها منجر به گسترده‌ی ارتباط گردیده و تا حدی از سطح تعصب می‌کاست بلکه نقش‌آفرینی زرتشتیان در پیوند تجاری با هند و کارکرد بازرگانی خاندان افنان (فیضی، همان: ۱۲۶، ۱۰۰، ۳۵) تعامل نسبی را جایگزین تعصب می‌نمود. از دیگر سو، ایجاد شعباتی از مؤسسات نوین غرب از جمله تلگرافخانه^۴، بانک شاهی^۵،

۱- شیخ احمد احسائی پس از سفر به ایران (۱۲۲۱ق/۱۸۰۶م) پنج سال در یزد ساکن شده و در حوزه علمیه آن از احترام والایی نزد علما برخوردار گردید. (برای اطلاعات بیشتر نک: مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۴: ۸۹؛ کرین، ۱۳۴۶: ۲۹)

۲- در کنار سید حسین یزدی و میرزا محمد روضه خوان که از حروف حی بودند، حضور نخستین مبلغان باب در یزد نشان از اهمیت ولایت برای آن‌ها داشت (نک: نبیل زرنندی، ۱۹۹۱: ۱۶۰-۱۵۷، ۶۵).

۳- دایی‌های باب را بهائیان اصطلاحاً افنان خوانده و در لغت به معنای شاخه درخت می‌باشد.

۴- احتمالاً یزد از سال ۱۳۰۰ق/۱۸۸۴م به این خط مواصلاتی پیوسته و تلگرافخانه در آن تأسیس شد (ن.ک: سفرنامه‌ی تلگرافچی، ۱۳۵۲: ۱۹۷-۱۹۵).

۵- ایجاد شعبه‌ی بانک شاهی در یزد را می‌توان مربوط به سال ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ ق/۱۸۹۰-۱۸۹۱م دانست که با واگذاری امتیاز بانک شاهنشاهی به رویتز این بانک اقدام به افتتاح شعبات خود در شهرهای مختلف و از جمله یزد نمود. بانک شاهی که ابتدا در بازار تبریزیان قرار داشت بعداً به کاروانسرای عرب‌ها نقل مکان و سپس شعبه‌ی دوم خود را در میدان خان افتتاح نمود (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۹؛ یزد در اسناد امین الضرب، ۱۳۸۰: ۲۵۱، ۴۱).

کنسولگری انگلیس، نمایندگی شرکت‌های زیگلر (Savage lander, 1903, vol1: 445) و منچستر (Malcolm, 1908: 55) هم تأییدی بر اهمیت تجاری منطقه بودند و هم تا حدی از انزوای آن می‌کاستند.

مبلغان پروتستان و شروع به کار انجمن تبلیغی کلیسا در یزد

هرچند بنا به تمرکز عمده مبلغان بر جذب شاخه‌های مختلف مسیحی، مناطق اسکان این اقلیت کانون اولیه‌ی استقرار انجمن‌های تبلیغی بشمار می‌رفت، اما رویکرد تبشیری مذهب پروتستان لاجرم حیطه‌ی فعالیت مبلغین را به دیگر اقلیت‌های دینی و نهایتاً مسلمین گسترش بخشید. چنانکه در تمایزی با کارکرد مسیحیت قرون وسطی که حمایت از جامعه‌ی عیسوی را سرلوحه خود داشت، مبلغین پروتستان مصائب اقلیت‌ها در میان اکثریت شیعی را روزنه‌ای برای فعالیت خود می‌دیدند. بر این اساس و در فقدان مسیحیان بومی، حضور گسترده‌ی زرتشتیان در یزد چنان جذاب می‌نمود که نیم قرن پیش از شروع به فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا، دو پزشک مبلغ به قصد تماس با آن‌ها به ایران آمدند. دکتر هوکر^۱ و روفر^۲ در ۱۱۶۰ ق/ ۱۷۴۷ م از طرف هیئت متحده‌ی برادران - معروف به موراوی‌ها^۳ - و تحت حمایت کنسول انگلیس در حلب خود را به اصفهان رساندند ولی به واسطه‌ی ناامنی راه‌ها و بحران‌زدگی اوضاع پس از مرگ نادرشاه به مقصود نائل نیامده و سال بعد مجبور به بازگشت شدند (waterfield, ibid: 122).

بر این اساس، یزد از دو منظرگاه برای انجمن جاذبه داشت. نخست: وجود اقلیت‌های دینی و خاصه زرتشتیان که سابقه‌ی همیاری انگلیس‌ها با پارسیان در هند و حمایت آن‌ها از مانکجی لیمجی پور هاتریا^۴ در لغو جزیه بستر مناسبی برای تعامل انجمن با آن‌ها فراهم می‌نمود و دوم: موقعیت تجاری شهر که حضور کارکنان اروپایی مؤسسات غربی فرصت مغتنمی در اختیار مبلغان قرار می‌داد. با توجه به شرایط یاد شده، انجمن فعالیت خود را در

1- C.F.W.Hoecher

2- Johannas Ruffer

3- Moravians

۴- Mankji limji Hatarya نخستین فرستاده انجمن اکابر پارسیان هند که در زمان ناصرالدین شاه طی سه مرتبه سفر به ایران اقدامات قابل توجهی جهت اصلاح امور زرتشتیان یزد انجام داد (نک: تشکری، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۲).

یزد با اعزام هیئت پزشکی (۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸ م) آغاز نمود. در واقع این اقدام که معرف شناخت از حساسیت‌های احتمالی نسبت به تبلیغات مستقیم بود؛ باعث شد تا ضمن کسب وجاهت نسبی، زمینه‌ی مناسبی نیز در توسعه‌ی فعالیت به دیگر بخش‌ها فراهم آمده و مبلغان تا وقایع مشروطیت از بیشترین اقبال در تبلیغ بهره‌مند گردند.^۱

حوادث مشروطیت و کاهش قدرت سلطنت، به عنوان مهم‌ترین پشتوانه‌ی فعالیت انجمن‌های مسیحی، به همراه مصوبات مجلس شورای ملی در ممنوعیت حق قضاوت و استخدام اقلیت‌های دینی؛ نخستین ضربات سیاسی بر پیکره‌ی انجمن بشمار می‌رفت. چنانکه ورود ناخواسته‌ی ایران به جنگ نخست جهانی به حدی بر این معضل افزود که اعضای انجمن به همراه دیگر کارکنان مؤسسات انگلیسی مجبور به ترک مناطق خود شدند (Afshari, 1993: 477-492). از این‌رو در یزد نیز به دنبال حضور آلمان‌ها؛ اموال بانک شاهی به غارت رفت و در بیمارستان مرسلین «هر چه جوهریات بود که به کار ایشان می‌خورد برداشتند و کارکنان آن‌ها را اخراج کردند» (رضوی، ۱۳۸۸: ۵۵۵/۱).

البته گرچه با ورود پلیس جنوب شهر، شرایط تا حدی به نفع اعضای انجمن تغییر یافت اما سال‌های طلایی پیشین که حکومت مرکزی و انگلیس دو پشتوانه‌ی مستحکم آن‌ها بودند، غیرقابل بازگشت گردید.

عوامل و موانع پیشرفت مبلغان در یزد

- تابعیت انگلیسی مبلغان و حمایت جلال‌الدوله

در تناسبی میان سطح نفوذ سیاسی دول غربی با تداوم و گسترش حیطه‌ی فعالیت هیئت‌های مسیحی، برجستگی حضور انگلیس در ساختار قدرت ایران نه تنها پشتوانه‌ی انجمن در رقابت با دیگران بود که تابعیت انگلیسی مبلغان تضمینی بر بقای آن‌ها بشمار می‌رفت. این موضوع تا حدی مهم می‌نمود که به‌عنوان نمونه واکنش طلاب یزدی به رفتار

۱- در ۱۳۲۱ ق/ ۱۹۰۲ م دکتر وایت، دکتر اورانیا لانهام که بعداً با ناپیر مالکوم ازدواج نمود، دکتر گریفیث، جورج دی اسک، L.R.C.P، خانم دای، خانم تایلور، خانم استرلینگ، خانم برایتی و خانم ماری برد از اعضای انجمن در یزد بودند (Savage, Lander, 1303: 397).

توهین‌آمیز دکتر وایت در سواره وارد شدن به مسجد، منجر به شکایت او نزد کنسول انگلیس گردیده و تنها پس از وساطت نواب رضوی غائله پایان یافت (رضوی، همان: ۳۷۷-۳۷۲).

در کنار تابعیت، امتیاز دیگر انجمن به حیطة تبلیغی آن در نواحی تحت نفوذ بریتانیا بازمی‌گشت. چنانکه حکام محلی از سویی در تناسب حفظ قدرت با رعایت منافع بریتانیا گزیری جز حمایت از مبلغان نداشتند و از دیگر سو اقدام انجمن در ایجاد بنیان‌های نوین آموزشی و درمانی رونق ولایت تحت امر را به همراه داشت.

بر این اساس، وابستگی و گرایش ظل‌السلطان به انگلیس^۱ نه تنها یکی از دلایل استقرار انجمن در اصفهان بشمار می‌رفت که توسعه‌ی قدرتش به مناطقی چون یزد، فارس، لرستان و... رفتار مشابه نایب‌الحکومگان را باعث شد. از این‌رو، یک سال پس از شروع فعالیت انجمن در یزد، جلال‌الدوله^۲ در سومین مرتبه از حکومت خود (۱۳۱۷-۱۳۲۲ ق) مهم‌ترین پشتوانه‌ی آن‌ها بشمار می‌رفت.

مطابق با آثار موجود، حمایت وی از مبلغان به دو عامل اصلی بازمی‌گشت: گرایش به انگلیس‌ها، با الگوبرداری از پدر و تمایل به استفاده از دستاوردهای نوین غرب. این موضوع به حدی مهم می‌نمود که حتی همسرش - همدم‌السلطنه - کودکان خود را با اسباب بازی‌های ساخت فرانسه سرگرم نموده و اهتمام خاصی در آموزش زبان انگلیسی آن‌ها داشت. (Griffith, 1909: 165). همچنین وجود بیمارستان مرسلین مرکزی به شهر داده بود که بیمارانی از دوردست‌ترین مناطق بدانجا می‌آمدند و این‌همه باعث می‌شد تا جلال‌الدوله ضمن احترام خاص برای آن‌ها، در بازدید سالانه از بیمارستان، اطبا را مورد تفقد مالی قرار دهد (ibid: 165).

۱- برای نمونه می‌توان به گفتگوی کارت رایت، دبیر دوم سفارت انگلیس و فرستاده‌ی دراموندولف، با ظل‌السلطان اشاره نمود که خود را مطیع و مدافع تام اتباع انگلیس می‌داند (ن.ک: تیموری، ۱۳۹۰: ۵۰۱).

۲- سلطان حسین میرزا جلال‌الدوله پسر ارشد ظل‌السلطان حاکم اصفهان که در خلال سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۰۵ ق سه مرتبه به نایب‌الحکومگی و حکومت یزد رسید (برای اطلاعات بیشتر ن.ک: تشکری، ۱۳۹۳: ۹۸-۷۳).

– تبلیغ در پوشش ارائه‌ی خدمات آموزشی و درمانی

بنابر تشخیص دقیق انجمن‌های مسیحی از پس‌افتادگی آموزشی و خاصه درمانی جوامع اسلامی، وجه مشترک عملکرد آن‌ها را می‌توان در اهتمام به ساخت مدارس و بیمارستان‌ها دانست. با توجه به تأثیر این رویه در تثبیت مبلغان، انجمن تبلیغی کلیسا نیز از نخستین ایام حضورش در ایران، فعالیت در این دو زمینه را بر ساخت کلیسا ترجیح داد. چرا که اگر ممانعت از تبلیغ کفر انگیزه و دستاویزی در اختیار روحانیت شیعی برای بسیج توده می‌داد، عقب‌ماندگی بهداشتی و عدم توسعه‌ی دارالشفاهای پیشین، نه تنها مراجعه‌ی تمامی طیف‌های اجتماعی به بیمارستان‌های مجهز انجمن را گریزناپذیر می‌ساخت که عامل معتبری در شکستن سد تعصب و جذب نوکیشان بشمار می‌رفت.^۱

– تلقی اجتماعی از تبلیغ مسیحیت

باوجود اتکای انجمن به نفوذ سیاسی انگلیس در ایران و راهکار تبلیغات دینی در لفافه‌ی نمایندگی تمدن نوین غرب، نهایتاً مقصود اصلی تمام هزینه‌گذاری‌ها جذب پیرو از مردمی بود که بیش از هر چیز در وحدت مذهب احساس اشتراک می‌کردند و تبلیغ هر آئینی جز اسلام شیعی را به‌منزله‌ی بدعت و تلاش در آسیب‌پذیری باور دینی خود مردود می‌شمردند. با چنین تصویری از فضای ذهنی ایران عهد قاجار، کارکرد روحانیون در فشار بر حکومت جهت جلوگیری از توسعه‌ی تبلیغات ضد دینی و از دیگر سو احتراز عوام در همیاری با مؤسسات وابسته به انجمن و خاصه مدارس (Richier, 1910: 33) از جمله مهم‌ترین موانع فعالیت مبلغان بشمار می‌رفت.

بدین ترتیب این معضل در شهر یزد که دین بر کلیه‌ی روابط اجتماعی-اقتصادی آن‌ها سایه افکنده و منهای آن ارائه‌ی تعریفی از شخصیت یزدی غیرممکن می‌نمود، چنان فزونی می‌یافت که مبلغانی چون ناپیر مالکوم عدم موفقیت خود را با چالش کشیدن اسلام و انتساب هر نوع ناپهنجاری اخلاقی بومیان به عقاید دینی توجیه می‌کردند (Malcolm, 1908: 160-180).

۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد نحوه عملکرد این انجمن در ایران ن.ک: تشکری، ۱۳۹۲: ۳۵-۱.

– غرابت فرهنگی و عدم تسلط بر زبان فارسی

در بُعدی دیگر چنانکه وحدت مذهبی و مأموریت تبلیغ در جوامع غیراروپایی عاملی در همگونی مبلغان بود، جذب پیرو در میان مخاطبینی با زبان و فرهنگ متفاوت، سدی در برقراری ارتباط با آن‌ها بشمار می‌رفت و این معضل هنگامی توسعه می‌یافت که مبلغان اولاً: آموزش زبان فارسی را عمدتاً مدیون ارامنه‌ای بودند که تسلطشان بر این زبان در حد برقراری ارتباط با محیط پیرامون بود و ثانیاً: در پراکندگی حوزه‌های تبلیغ، مردمان هر منطقه، خرده‌فرهنگ و گویش متفاوتی از یکدیگر داشتند. بر این مبنا، ناپیر مالکوم ضمن اشاره به فراگیری زبان فارسی توسط دستیاران ارمنی بیمارستان (ibid: 204) در مورد مشکل دامنه‌ی گسترده‌ی لغات و نحوه‌ی کاربرد آن‌ها در یزد می‌نویسد «در هر طبقه از اهالی یزد خاصه مردان، گستردگی استفاده از لغات وسیع‌تر است و به همین دلیل، فهم معنای دقیق یک کلمه تقریباً غیرممکن می‌نماید. چراکه این زبان به‌طور وسیعی حاوی واژگان مترادفی است که نمی‌توان آن‌ها را بدون تشخیص از یکدیگر به‌کار برد و کلمات بایستی بنا به موقعیت، با دقت گزینش شوند» (ibid: 152).

در واقع بنا به ماهیت کار تبلیغ، ضرورت تسلط مبلغین بر ظرائف دستور زبان فارسی بیش از دیگر حوزه‌ها محسوس بود. به‌عنوان مثال در شرایطی که حیطه کارکرد پزشکان به تماس با بیمار در سطح تشخیص و تجویز دارو محدود می‌شد، بالطبع استفاده از دستیاران ارمنی و فراگیری ابتدایی زبان فارسی کفایت می‌کرد، حال آنکه در مقام تبلیغ و خاصه موعظه، عدم تسلط بر دقائق زبان مخاطبین نه تنها مانع از انتقال مفاهیم دینی می‌گردید که استفاده از لغات نابجا؛ احتمال سوء برداشت شنونده را به همراه داشت. «فرض کنید می‌خواهید از تعالیم مسیحیت، مسئله‌ی حلول را مطرح سازید که بنابر آن خداوند، صرفاً دوست انسان نیست؛ بلکه همدم او نیز هست. مطمئنم که نزد عوام یزدی، اصطلاح مناسبی برای لغت همدم نمی‌یابید که در عین رعایت نزاکت، استنتاج شما از خداوند را نیز برساند» (ibid: 152).

علاوه بر این، مانع دیگر به تمایز فرهنگی مبلغان با جامعه‌ی سنتی ایران بازمی‌گشت. درحالی‌که اروپای قرن نوزدهم پیش‌تاز تمدن نوین بشمار می‌رفت، مبلغان از یک‌سو

پیشرفت‌های صنعتی و مسیحیت را دوروی یک سکه تفسیر نموده^۱ و از دیگر سو با تکیه بر تکنولوژی غرب، خود را در جایگاه منجیانی می‌پنداشتند که گویی از جانب خداوند مأمور ارتقای مردمانی عقب‌مانده به تمدن گردیده‌اند (waterfield, ibid. 127,155).

– انزوای سیاسی و نقصان وسایل ارتباطی در یزد

خصایص تاریخی یزد در بُعد مسافت از مراکز تحول خیز ایران، عدم هم‌جواری با ایلات و موقعیت مواصلاتی، از یکسو منجر به رشد تجارت و صنایع گردیده و از دیگر سو ضمن جلوگیری از ورود سریع تحولات، بر تعصب دامن می‌زد^۲. از این‌رو، حتی موقعیت تجاری و وسایل ارتباطی نیز تأثیر شگرفی بر تغییر شرایط اجتماعی آن نداشت. قطع خطوط تلگراف با کوچک‌ترین ریزش برف و کندی در تبادلات پستی همان اندازه که انزوای منطقه را باعث می‌شد، بر مشکل ارتباطی مبلغان نیز افزوده و آن‌ها را در محیطی قرار می‌داد که تعداد مهاجرنشین اروپایی آن به بیست نفر نمی‌رسید (Malcolm, ibid: 54).

شیوه و راهکارهای تبلیغی انجمن

– استفاده از اقلیت‌های دینی

اگر اشتراک دینی و تمایل به ارتقای و جاهت اجتماعی، آرامنه را بر آن داشت تا به‌رغم اختلاف با مسیحیت پروتستان همکاری با انجمنی ثروتمند و مورد حمایت انگلیس و حکومت‌گران قاجار را بر انزوای جاری ترجیح دهند^۳، رویکرد نوین مسیحیت به دیگر اقلیت‌ها نیز فرصتی در اختیار مبلغان گذارد تا وجود زرتشتیان، یهودیان و بهائیان یزد را مغتنم دارند.

۱- به‌عنوان نمونه ناپیر مالکوم در پاسخ به فردی بهایی که پیشرفت تمدن جدید را در ضدیت با مسیحیت می‌دانست، نه تنها آن‌ها را متعارض یکدیگر نمی‌بیند که بر آنست شرایط جدید محصول کیش مسیحیت است (نک: ibid:209-210).

۲- سایکس در دیدار خود از شهر (۱۳۱۱ق) می‌نویسد «در این اواخر اطلاعیه‌ی بدون امضایی در شهر انتشار داده بودند مبنی بر اینکه اگر فرنگی‌ها سواره از بازار عبور کنند جانشان به معرض خطر افتاده هدف گلوله واقع خواهند شد. در اثر توزیع همین لایحه، شعبه‌ی بازار بانک تا چند روزی تعطیل گردید» (سایکس، همان: ۱۸۵).

۳- در مورد فقر آرامنه و تأثیر شرایط مالی انجمن در گرایش به آن نک: Arnold, 1887: 247.

الف) زرتشتیان

گذشته از مصائب اجتماعی و ایستایی فرهنگی که وجه اشتراک دو اقلیت زرتشتی و یهودی بشمار می‌رفت ممیزاتی چون سابقه اسکان (بویس، ۱۳۴۸: ۱۳۵-۱۳۴)، میزان نفوس، حمایت مالی - فرهنگی پارسیان هند و پایگاه اقتصادی؛ زرتشتیان یزد را در جایگاهی برتر از یهودیان قرار می‌داد. علاوه بر این، روابط مطلوب انگلیس‌ها و پارسیان هند به انضمام حمایت آن‌ها از لغو جزیه‌ی زرتشتیان، بستر مناسبی برای انجمن فراهم می‌آورد تا در خلأ وجود بومیان مسیحی، اهتمام خود را در جلب همراهی این اقلیت به کار گیرند. البته مبلغان در راهیابی به مقصود با دو مانع عمده‌ی بهائیت و انجمن اکابر پارسیان هند مواجه بودند. هرچند نفرت عمومی به بهائیان به مراتب بیش از دو اقلیت دیگر بود، اما در قیاس مبلغان مسیحی اولاً بومی ایران بوده و ضمن تسلط بر زبان فارسی با تفاسیر دلبخواهی از متون دیگر ادیان و خاصه ظهور سوشیالیسم در قالب بهاء‌الله، بی‌دانشی عوام زرتشتی را فرصتی در جذب آنها می‌دیدند.

هم‌چنین نقش اقتصادی - فرهنگی انجمن اکابر پارسیان هند و خاصه ایجاد انجمن ناصری یزد، نه تنها نقطه‌ی عطفی در حیات اجتماعی آن‌ها بشمار می‌رفت که از انگیزه تغییر آئین بر پایه‌ی فقر مالی و یا عدم آگاهی به ضوابط دینی فرو می‌کاست. با این همه، گستردگی بی‌سوادی زرتشتیان که در جنب فشارهای اجتماعی از ممانعت تحصیل رعایا توسط موبدان ناشی می‌شد (اشیدری، ۲۵۳۵: ۴۴۷)، انجمن را بر آن داشت تا ضمن ایجاد مدرسه برای دختران زرتشتی، شانس خود را در تعمیق روابط با آن‌ها آزمون نماید. البته هرچند نمی‌توان از میزان توفیق مبلغان در جذب این اقلیت به آمار و ارقامی استناد جست، اما وجود آن‌ها بحدی محل توجه بود که حتی ناپیر مالکوم رمز موفقیت دول اروپایی به ایجاد حکومت مطلوب در نواحی جنوبی را منوط به انعقاد پیمان با ایشان می‌داند (Malcolm, ibid: 14).

ب) یهودیان

باآنکه در قیاس با زرتشتی‌گری، نزدیکی الهیات کیش یهودی به اسلام و سابقه حضور

جماعتی از یهودیان در یزد، عناصر مهمی در شناسایی این اقلیت بودند، اما فقدان پشتوانه‌ی سیاسی - مالی و تنگدستی، برکاهش و جاهت^۱ آن‌ها دامن می‌زد. یهودیان یزد که عمدتاً به ابریشم‌بافی اشتغال داشتند، پس از خشک‌سالی اواخر عهد ناصری و افول واردات ابریشم از شمال، اکثر کارگاه‌های خود را از دست داده و با نخ‌ریسی و دیگر مشاغل دون‌پایه روزگار می‌گذرانیدند. از این‌رو، در بستری از فقر گسترده، مبلغان مسیحی توزیع اعانه را فرصتی در جذب آن‌ها یافتند. چنانکه ناپیر مالکوم در کارآیی این حربه می‌نویسد: «یهودیان باهم می‌آمدند، همواره یک فصل از انجیل را با منشی من قرائت می‌کردند و مردی که به‌عنوان جوینده‌ای واقعی می‌آمد و تمایل نشان می‌داد، بعد از واکاوی شرایطش و کسب اطمینان از او، با آغوش باز مورد استقبال قرار می‌گرفت» (ibid:234).

ج) بهائیان

به‌رغم پیروان دو کیش یهودی و زرتشتی، بهره‌گیری بهائیان از هر فرصتی در اثبات حقانیت خود نه تنها این فرقه را به خطرناک‌ترین مدعی ایدئولوژی حاکم بدل ساخت که پس از اسلام مهم‌ترین رقیب مبلغان مسیحی، خاصه در جذب زرتشتیان، بشمار می‌رفت. با این حال فعالیت تبلیغی بهائیان در یزد از دو سو زمینه‌ی مستعدی را برای مبلغان انجمن فراهم می‌آورد. نخست: به‌رغم تکیه‌گاه این فرقه بر اصل مهدویت به‌عنوان وجه اشتراک با شیعیان و استدلال بر مبنای تفسیری دیگرگونه از متون دینی مسلمین، در عمل گفتمانی مغایر با اعتقادات اکثریت داشتند. به‌نحوی که گشاده‌دستی مبلغان بهایی در ارائه‌ی تفاسیر و استفاده از زبان تمثیل (برای نمونه‌ای از این‌گونه تفاسیر ن.ک: 95) (ibid) فرصتی مغتنم در اختیار آن‌ها می‌گذارد تا هر متنی را مؤید نظرگاه خود بدانند. از این‌رو بهاییت هم زمینه‌ی مناسبی در بافت اجتماعی برای بحث و مناظره فراهم می‌آورد و هم‌بستر آماده‌ای در اختیار مبلغان انجمن می‌گذارد تا از فضای موجود در راستای برقراری ارتباط و جذب جویندگان بهره‌گیرند.

دوم: مبتنی بر خصومت مبلغان مسیحی با اسلام، هم‌اینک فرقه‌ای از بطن باور رسمی

۱- به‌عنوان نمونه‌ای از احکام مربوط به ممنوعیت‌های یهودیان یزد نک: (waterfield, ibid: 117).

شکل پذیرفته بود که پیروانش تحمل فشارهای بیرونی را ارجح بر تغییر عقیده می‌دانستند و این موضوع بدان حد در نظر مبلغان مهم می‌نمود که ناپیر مالکوم برآنست: «به‌سرعت بایستی از منفعت چنین بستری بهره گرفت، چراکه ما به‌ندرت این گونه فرصت استثنایی را برای حمله به اسلام، آن‌هم در سرزمین خودش می‌یابیم» (ibid: 95)

راهکارهای انجمن در جذب مسلمانان

– ساخت بیمارستان و ارائه‌ی خدمات نوین درمانی

تجربه‌ی فعالیت هیئت‌های مسیحی گویای آن بود که در جوامع مسلمان و خاصه ایران، تبلیغی خلاف باور اکثریت نه تنها با عقل و عرف سازگار نیست که تحریک احساسات عمومی حتی قوی‌ترین پشتوانه‌های سیاسی را نیز بی‌اثر می‌سازد. لذا انجمن‌ها با تشخیص افت گسترده‌ی خدمات درمانی، بخش قابل توجه فعالیت خود را تحت پوشش بیمارستان متمرکز ساختند. بدین ترتیب در شرایطی که عدم رعایت بهداشت عمومی و فقدان امکانات پزشکی بر شیوع بیماری‌ها دامن زده^۱ و جامعه را چشم انتظار بیگانگان می‌گذارد، اهتمام انجمن‌های تبلیغی در ساخت بیمارستان و استفاده از تجهیزات نوین اهمیتی دوسویه داشت. جامعه در ضعف پزشکی موجود گزیری جز پناه آوردن به مؤسسات نوین نداشت و از دیگر سو ابراز وجود انجمن‌های تبلیغی به‌عنوان نماینده‌ی تمدن غرب، ضمن کسب وجهت امکان تماس آن‌ها با طیف‌های مختلف اجتماعی را فراهم می‌آورد.

اساساً به‌رغم دیرینگی پزشکی ایرانیان، طب رایج از سه منبع جادویی، جالینوسی و طب النبوی نشأت می‌گرفت که همپای تفاوت در تشخیص و علاج بیماری، کنشگران آن نیز از طیف‌های مختلفی بودند. اطباء دانش‌آموخته در مدارس پزشکی معرف طب جالینوسی، جادوگران، قابله‌ها، دلاکان، حجامت‌گران، دراویش سرآمد طب عامیانه و عالمان و فقهای آشنا به مفاهیم پزشکی شاخصه‌ی طب النبوی (طب‌الائمه) به‌شمار می‌رفتند.

به‌واسطه‌ی گستره‌ی بیماران نه تنها تعداد اطباء حاذق کفاف نمی‌کرد که بالا بودن

۱- به‌عنوان مثال در مورد وضعیت غیربهداشتی حمام‌های یزد نک: (گلشن، ۱۳۸۴: ۲۶ - ۳۳)

هزینه‌ی طبیب و دارو هر چه بیشتر فرودستان را به دخالت اجنه و ارواح پلید در بروز بیماری‌ها سوق داده و آنان را به دعا نویسان و رمالان هدایت می‌نمود. هم‌چنین در فقدان مراکز آموزشی و نظارت بر کار اطبا، افراد غیرمتخصص بدون هرگونه تحصیلات پزشکی و صرفاً با مطالعه‌ی چند کتاب در باب امراض به طبابت می‌پرداختند (Griffith, ibid: 160). توأم با این معضلات، رویکرد حکومتگران و حتی کنشگران اجتماعی به ساخت دارالشفای به حدی تنزل کرده بود (Ebrahimnejad: 2004, 81) که جز احداث دارالشفای به روزگار فتحعلی‌شاه و پس از آن مریضخانه‌ی دولتی که در حکومت ناصرالدین شاه - به دنبال دومین سفر اروپایی خود به تأسی از بیمارستان‌های فرنگی - صورت پذیرفت تا پایان سده‌ی نوزدهم خبری از ساخت بیمارستان نیست (Floor, 2012: 47). از این‌رو و مبتنی بر تشدید وخامت اوضاع در مناطق دور از مراکز اصلی و خاصه حوزه‌های روستایی، هیئت پزشکی حیطة‌ی کارکرد خود را به سه حوزه‌ی بیمارستانی، درمانگاهی و ملاقات پزشکی گسترش بخشید.

الف) خدمات بیمارستان

انجمن تبلیغی کار خود را در یزد با حضور دکتر وایت^۱ و همسرش آغاز نمود. آن‌ها نخست در یک باغ، درمانگاهی موقتی ایجاد و سپس به خانه‌ای استیجاری نقل مکان کردند (ibid: 101). به مرور زمان، عملکرد هیئت چنان محل توجه اهالی قرار گرفت که تاجری زرتشتی به نام گودرز مهربان کاروانسرای خود را در اختیار آن‌ها قرار داده و این مکان با تغییراتی به‌عنوان «بیمارستان مرسلین انگلیسی» شهرت یافت (جکسن، ۱۳۵۷: ۴۲۶). این بیمارستان^۲ با امکاناتی چون: اتاق عمل، موسوم به تاریک‌خانه^۳ (رضوی، همان: ۱/ ۶۸۴) تختخواب، داروخانه، از کادر پزشکی و دستیاران ارمنی تعلیم یافته بهره‌مند بود (Savage

1- H.White

۲- این بیمارستان در محله‌ی گازرگاه یزد قرار داشت که سپس جای خود را به مدرسه‌ی تدین داده و بر روی سنگ مرمر سردر آن، عبارت «مریض‌خانه‌ی مرسلین انگلیسی سنه‌ی ۱۸۹۹م» نقش بسته بود (افشار، ۱۳۷۴: ج ۸۰۳/۲).

۳- با توجه به شیوع بیماری چشمی آب مروارید در یزد (Savage Lander, ibid: 390) و تجهیز بیمارستان به اتاق عمل و ابزار پزشکی، این بخش مورد استقبال بیشتری قرار گرفته (در مورد نحوه‌ی مداوای بیماری‌های چشمین. ک: رضوی، همان: ۶۸۴). ضمن آنکه به دلیل تعداد زیاد معتادان، دکتر گریفیث قسمتی از محوطه بیمارستان را به مراقبت و مداوای آن‌ها اختصاص می‌دهد (Griffith, ibid: 167).

چندین دستیار ارمنی از اصفهان، بدان حد ترقی نمود که بنابر گزارش‌های موجود در سال ۱۹۰۰ م تعداد ۳۵۶۰۰ نفر در بیمارستان معالجه و بیماران حتی از دوردست‌ترین مناطق چون: سیستان بلوچستان و افغانستان به یزد می‌آمدند (Stileman, 1902: 74-75).

دریافت هزینه‌ی اندک و حتی بستری و معالجه‌ی رایگان تهیدستان (پیشدادی، ۱۹۹۵م: ۴۸) به همراه تجهیزات جدید درمانی و کادر متخصص بسترهای مناسبی را در اختیار مبلغین قرار می‌داد. برقراری ارتباط با طیف‌های مختلف اجتماعی که حتی به‌رغم تعصب دینی به دلیل شرایط نامطلوب درمانی؛ گزیری جز رجوع به طبای اروپایی نداشتند (Griffith, ibid: 159) و تماس نسبتاً طولانی با بیماران تهیدستی که ارائه‌ی خدمات رایگان بیمارستان را موهبتی برای خود می‌دانستند. چنانکه ناپیر مالکوم ضمن تأکید بر الویت انجمن در توسعه‌ی این شاخه‌ی درمانی، با احداث کلیسای کوچکی در بیمارستان^۲ و برگزاری مراسم دینی، درصدد جذب بیماران به مسیحیت برمی‌آید.^۳

ب) خدمات درمانگاهی

رونق کار بیمارستان و تعدد مراجعه‌کنندگان، انجمن را بر آن داشت تا با ایجاد درمانگاهی مردانه در شهر و دو درمانگاه در روستاهای اطراف فعالیت خود در این حوزه را توسعه بخشد (Malcolm, ibid: 260). هم‌چنین با حضور ماری برد^۴ که از شهرت خاصی در تبلیغ میان زنان برخوردار بود^۵، زمینه‌ای برای تماس با این طیف اجتماعی که از مراجعه به طبای مرد خودداری می‌کردند، فراهم گردید. با این همه و در قیاسی با کارکرد

^۱ - Urania Latham

^۲ - این کلیسا با هزینه‌ای حدود پانصد و پنجاه تومان ساخته شد که یکصد و پنجاه تومان آن را مهاجرنشین اروپایی تقبل نمود و در جلسات آن یکصد نفر شرکت می‌کردند (Malcolm, ibid:261)

^۳ - در نمونه‌ای از کارکرد مبلغان در بیمارستان می‌توان به نحوه‌ی جذب مادر اسقف حسن دهقانی تفتی به مسیحیت اشاره نمود. (ن.ک: دهقانی تفتی، همان: ۱۰ - ۹)

^۴ - Mary Bird

^۵ - وی در ۱۸۹۱م به ایران آمد و در ۱۸۹۹م همراه با اورانیا لاثام به هیئت یزد ملحق شد و پنج سال را در یزد و کرمان به فعالیت مشغول بود (Rice, 1916: 117).

بیمارستان، این شاخه از فعالیت درمانی به دلایلی چون تأثیر اندک در آموزش منظم و عدم تناسب تعداد مبلغان با کثرت مراجعین از نظر انجمن درخور توجه نبود (ibid: 232-233).

ج) ملاقات‌های پزشکی

وجه دیگر خدمات درمانی به ملاقات پزشک از بیمار در منزل او معطوف بود. در رابطه با میزان کارایی ملاقات‌های پزشکی هرچند نمی‌توان منکر تماس نزدیک‌تر مبلغان با خانواده‌ها و تأثیر استفاده از ادعیه در حین معاینه مریض گردید اما بسان خدمات درمانگاهی، جایگاه بیمارستان برای تماس با طیف‌های مختلف و جذب نوکیش را نداشت (برای نمونه نک: دهقانی تفتی، ۱۹۹۹: ۸-۱۱).

به هر حال از کارکرد و موانع هیئت‌های پزشکی چنین برمی‌آید که به‌رغم انتظار انجمن در جذب نوکیش، اهالی با تعمیم امکان انجام فعل ثواب به غیر مسلمین، اقدام آن‌ها را صرفاً عمل نیکی می‌دانستند که برای پاداش بهشت صورت می‌پذیرفت (Malcolm, ibid: 103). از این‌رو، ارائه‌ی خدمات مجانی به همان اندازه که امکان تماس با گروه‌های مختلف و خاصه فرودستان را فراهم می‌آورد، به دلیل تلقی عمومی به مجانی بودن این خدمات در انگلیس، تا حد زیادی مقاصد انجمن از این مخارج را بی‌ثمر می‌ساخت.

- ساخت مدرسه و خدمات آموزشی

در عهد قاجار و خاصه تا مشروطیت، محدودیت مراکز آموزشی به مساجد، مکتب خانه‌ها، زورخانه‌ها و بازار، به همراه عدم انگیزه‌ی عمومی به تعلیم کودکان، عملاً کارایی آن‌ها را در همان سطوح اولیه متوقف می‌ساخت (Arasteh, 1963: 6). بدین ترتیب با وجود تلاش‌هایی در نوسازی ساختار آموزشی، آن‌گونه که در تأسیس دارالفنون تجلی بارزی یافت، نظام تعلیم و تربیت چنان در حد سنتی باقی ماند که انتقال مفاهیم در مکتب‌خانه‌ها بیشتر شفاهی بوده و استفاده از لوازم جدید چون تخته و نیمکت مرسوم نبود (گلشن، همان: ۹۸-۹۹). بر این اساس و نیز اهمیت خدمات نوین آموزشی در تبلیغ، شش ماه پس از ورود هیئت پزشکی به یزد، با الحاق ناپیر مالکوم مدرسه‌ی پسرانه‌ی مرسلین نیز آغاز بکار نمود.

در این مدرسه که پس از مالکوم تحت مدیریت فردی به نام بویلند^۱ قرار گرفت شصت پسر از مسلمان، بهایی و زرتشتی تحصیل می‌کردند (Malcolm, ibid: 261). هم‌چنین با توجه به گستردگی بی‌سوادی در میان دختران زرتشتی، مدرسه‌ای با مدیریت خانم برایتی^۲ تأسیس گردید (۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۳ م) که در عین حال نخستین مدرسه‌ی دخترانه در یزد نیز بشمار می‌رفت. در این مدرسه که تا وقایع مشروطیت چهل دانش‌آموز را تحت پوشش داشت، کودکان بانظم خاصی دسته‌بندی گردیده و از دانش‌آموزان برتر، با عنوان خلیفه، جهت کمک به دیگران استفاده می‌شد. پس از چندی، خانم کیت مترسول^۳ نیز از انگلیس به هیئت پیوست ولی بر اثر بیماری حصبه فوت و در قبرستان مسیحیان^۴ دفن گردید. برایتی هم‌چنین دستیاری به نام گوهر داشت که در غیاب انگلیس‌ها- که به دلیل وقوع جنگ جهانی اول و حضور آلمان‌ها مجبور به ترک شهر شدند- کلاس‌ها را در خانه‌ی خود برگزار می‌کرد. پس از آرامش اوضاع، برایتی مدیریت مدرسه را به جانشین خود خانم مور^۵ تحویل داد و نهایتاً از اواخر قاجاریه (۱۳۳۹ ق/ ۱۹۲۱ م)، آرموهی آیدین^۶ از طرف انجمن به این سمت برگزیده شد (سالنامه فرهنگ یزد، ۱۳۲۷-۱۳۲۸: ۳۱-۲۹). بدین ترتیب تا پایان دوره قاجار ایجاد یک مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه برای زرتشتیان و مسلمین از مهم‌ترین اقدامات انجمن در زمینه‌ی آموزش بشمار می‌رفت.

در قیاسی میان کارکرد مدارس با خدمات درمانی در جذب نوکیشان، این بُعد از فعالیت انجمن با اقبال عمومی کمتری مواجه گردید. در شرایطی که تمایل به سوادآموزی مشخصه‌ی طبقات عالی بود و فرودستان اطفال خود را عاملی در کسب معاش می‌دیدند^۷،

1- Boyland
2- Miss Brighty
3- Kit Metersol

۴- این قبرستان در مهدی آباد یزد قرار داشت.

۵- Miss moor
۶- Armenouhi Aidin

۷- در کنار عدم تمایل به سوادآموزی، منع حضور دختران در فعالیت‌های اجتماعی مشکلات انجمن در برقراری ارتباط با قشر وسیع و در این حال تأثیرگذار جامعه را دو چندان می‌ساخت. در واقع رعایت ضوابط مربوط به محارم از چنان اهمیتی در یزد برخوردار بود که حتی با توسعه‌ی مدارس نوین در عصر پهلوی دوم، مسئول برگزاری امتحانات بایستی پرده‌ای در وسط اتاق امتحان کشیده و ممتحن و دانش‌آموز دو سوی آن بنشینند. «...و این تنها شرطی بود که مسلمانان به بازرس اجازه‌ی ورود به مدرسه را می‌دادند» (Cash, 1930: 57)

تبلیغ آشکار مسیحیت در مدارس و نگرش منفی اهالی به مبلغان از استقبال عمومی می‌کاست.^۱ هم‌چنین تبلیغ آشکار و ناپیدای مسیحیت در این مدارس؛ انگیزه‌ای به نخبگان مسلمان داد تا در رقابت با آن‌ها و نیز جلوگیری از جذب کودکان، مدارس به سبک نوین بسازند. چنانکه فتح‌الله خان مشیرالممالک - مستوفی معروف یزد در عهد ناصری و مشروطیت - مدرسه‌ای شش کلاسه با نام مشیریه احداث نمود (۱۳۱۸ق/ ۱۹۰۱م) که در آن اطفال به‌رایگان تحصیل نموده و دروسی چون عربی، فارسی، انگلیسی، فرانسوی، جغرافیا و حساب می‌آموختند (سالنامه دبیرستان ایرانشهر، ۱۳۱۷-۱۳۱۶: ۱۰).

در مجموع، هرچند موارد یادشده از رهیافت مبلغان به مقصود می‌کاست، اما این‌همه منجر به توقف اقدامات آن‌ها نگردید. چنانکه مدرسه‌ی مرسلین در قیاس با مکتب‌خانه‌های رایج، با تکیه بر امکانات نوین آموزشی چون تخته و میز برای دانش‌آموزان، اختصاص مکانی برای ورزش و ایجاد کارگاه‌های آموزشی (دهقانی تفتی، همان: ۲۳)، به همراه تدریس دروس حساب، جغرافیا و خاصه زبان انگلیسی که جاذبه‌ی بسیاری در خانواده‌ها داشت و یکی از مهم‌ترین دلایل گرایش آن‌ها به مدرسه بود، دریافت شهریه اندک و حتی تحصیلات رایگان برای اطفال فقیر و مشارکت دادن بومیان در اداره‌ی مدرسه^۲ فصل‌نویسی در تعلیم و تربیت سنتی گشود.

البته ناگفته نماند که اولیای مدرسه با سماجت در جلب رضایت خانواده‌های فقیر به تحصیل کودکان^۳، ذکر داستان‌هایی از عیسی و مشقات رسولان در خلال تدریس (همان: ۲۳) و تأکید بر حضور آن‌ها در مراسم قرائت انجیل و ادعیه جذب تدریجی و آرام کودکان به مسیحیت را سرلوحه خود داشتند.

۱- در یزد به‌واسطه‌ی زرتشتیان و استقبال آن‌ها از مدرسه، فشارهای اجتماعی بر خانواده‌هایی که از آن استقبال کردند کمتر بود. (Richier, ibid: 332)

۲- اشتیاق به تعلیم زبان انگلیسی چنان در یزد وسیع بود که حتی پسرچه‌های فقیر با این تصور که شهرش در تصرف اروپاییان است و آن‌ها تحصیل زبان را پاداش خواهند داد به مدرسه تمایل داشتند. البته مالکوم در زمینه شهریه و نحوه اداره مدرسه پیشنهادهای چندی را ارائه می‌نماید (برای اطلاعات بیشتر ن.ک. Malcolm ibid: 241).

۳- برای نمونه حسن دهقانی از سماجت مبلغی به نام میس کینگدن سخن می‌گوید که با توجه به وضع مالی پدرش، موفق به جلب رضایت وی می‌شود (دهقانی تفتی، همان: ۴۵).

- توزیع اعانه

گرچه سودمندی توزیع اعانه در قیاس با خدمات پزشکی - آموزشی به مراتب پائین تر بود و اکثر هزینه‌ها را اروپائیان منطقه تقبل می‌کردند، اما فقر گسترده اهالی، فرصتی در اختیار مبلغان می‌گذاشت تا کوتاه‌ترین راه ممکن در جذب افراد را به آزمون گذارند. این موضوع خاصه در خشک‌سالی‌ها و آسیب‌پذیری صنعت ابریشم که افزایش گدایان و طالبین دریافت صدقات و اعانه را به همراه داشت، مبلغان را به توزیع هدفمند اعانات و تفکیک سائلین جویای پول از افراد متمایل به دریافت الهیات مسیحی جلب نمود (Malcolm, ibid: 236-237).

با این‌همه حتی برنامه‌ریزی اخیر با موانعی چون عدم تکافوی میزان اعانه با تعداد رو به رشد متکدیان و نیز تلقی آن‌ها از اقدام انجمن روبرو بود. به تعبیر دیگر، گستردگی فقر به همراه سهولت کسب معاش از طریق تکدی‌گری نه تنها توازن منابع مالی انجمن با تعداد روزافزون سائلین مسلمان و یهودی را به هم می‌ریخت که هرکدام از این دو طیف تلقی خاصی از توزیع اعانه داشتند. شیعیان آن را از زاویه‌ی ثواب دیده و «اغلب معتقد بودند اگر دیگران را مجاز دارند تا کار ثوابی برایشان انجام دهند، ثواب بیشتری به دست می‌آورند.» (ibid:103) و یهودیان اعانه‌ی دریافتی را تنها بخشی از هدایای هم‌کیشان اروپایی خود می‌پنداشتند.

- بحث و مناظره با جویندگان و راهکارهای مبلغان

اگر واکنش جامعه به تبلیغ کفر، انجمن‌های عیسوی را بر آن داشت تا اهداف خود را در پس اقدامات بشردوستانه پنهان دارند اما مقصود اصلی از تمام هزینه‌گذاری‌ها ایجاد بستری در تبلیغ علنی بود. هدفی که در عمل تحریک اجتماعی را باعث می‌شد. مبتنی بر ضوابط قانونی و عرفی، مبلغ «در بازارها نمی‌توانست بساط خود را پهن کرده و برای مردم انجیل بخواند. تنها مجاز بود تا با مردمی که به خانه‌اش می‌آمدند، سخن گوید و در مکانی مشخص، با جماعت حاضر در کاروان‌سراها، رو باز و یا در روستاها با مردم حرف بزند» (ibid: 217)

بر این اساس، در ممنوعیت تبلیغ عام و خطرات دیدار در خانه‌ی طالبین، منزل مبلغ تنها مکان مطمئن و در واقع دفتر کارش محسوب می‌شد. از این رو ناپیر مالکوم در بحثی جامع پیرامون مراجعه‌کنندگان ضمن تأکید بر ضرورت دسترسی آسان و حضور ملموس مبلغ در شهر، نحوه‌ی برخورد با طیف‌های مختلف را به‌دقت محل توجه قرار می‌دهد. «هر کاری باید با ساعت تنظیم شود و تقریباً با هر ملاقات‌کننده باید به‌عنوان مهمانی عادی رفتار نمود. در چنین مواقعی، مبلغ باید دقت زیادی نسبت به تعداد فنجان‌های چای و توصیفی که از قلیان‌ها می‌شود؛ داشته باشد. یک گروه از میهمانان را باید به نحوی مقتضی، با قلیان‌های سیم‌کوب و سه فنجان چای خیلی داغ که به فاصله هر دقیقه تدارک می‌شود، پذیرایی کرد و البته این موضوع نباید با تذکر به خدمتکار صورت پذیرد. گروهی دیگر را باید با فنجان چای اروپایی که حدود سه برابر فنجان ایرانی ظرفیت دارد و یک جعبه سیگار پذیرایی نمود که در این صورت تا پایان دیدار، یکسره با میزبان صحبت می‌نماید. برای گروه سوم از بازدیدکنندگانی که از قبل هماهنگ کرده‌اند، بایستی پیشاپیش تدارک دید و با شربت سرد پذیرایی نمود. سپس، حسب منزلت اجتماعی مهمان، مبلغ تصمیم می‌گیرد که همزمان از وی با چای یا بدون آن پذیرایی نماید» (ibid: 225-226).

نتیجه

تجلی پیوند سرمایه‌داری با مسیحیت اصلاح‌شده‌ی پروتستان منجر به ظهور انجمن‌های متعدد در کشورهای غربی گردید که در عین حال نماد تمدن و صنعت نوین بودند. در این میان، امتیازاتی چون ترجمه‌ی انجیل و رسالات دینی، بهره‌گیری از گزارش‌های مبلغان منفرد و پشتوانه‌ی سیاسی انگلیس، زمینه‌ی مناسبی برای تثبیت و بسط حوزه‌ی تبلیغی انجمن تبلیغی کلیسا فراهم آورد. چنانکه در فضای رقابت‌آمیز انجمن‌های مسیحی که نفوذ کشور متبوع خود را بستر مطلوبی در پیشبرد اهداف می‌دیدند، این انجمن نیز حوزه‌ی نفوذ انگلیس در نواحی مرکز و جنوب ایران و توافق با پرزبیتری‌ها را فرصتی یافت تا حیطه‌ی فعالیت خود را از جلفای اصفهان به یزد، کرمان و شیراز توسعه بخشد. در این میان یزد که با خصیصه‌ی بُعد مسافت از مراکز تحول خیز، حائز آرامش و امنیت نسبی بوده و از این رهگذار ضمن رشد تجارت و صنعت به کانونی در تجمع اقلیت‌ها شهرت داشت، نخستین مرکز

فعالیت مبلغان انجمن در خارج از حوزه‌ی اصفهان گردید. چنانکه وابستگی سیاسی آن به اصفهان، حضور مؤسسات انگلیسی و از همه مهم‌تر وجود اقلیت زرتشتی انگیزه‌های کافی به چنین شروعی دادند.

البته گذشته از موانع انجمن در تبلیغ مسیحیت، انزوای منطقه و دلبستگی متعصبانه‌ی اهالی به اسلام دو مشکل اساسی مبلغان در این خطه بشمار می‌رفت. بدین ترتیب اگر موقعیت تجاری منطقه و مؤسسات تمدنی جدید تا حدی از انزوای جاری می‌کاست، هیچ عاملی، حتی قدمت حضور و پذیرش همزیستی با دو اقلیت زرتشتی و یهودی، قادر به کاهش وابستگی از اسلام نگردید. از این‌رو مبلغان حسب شناخت از شرایط ذهنی حاکم بر ولایت دو راهکار نفوذ در میان اقلیت‌ها و تبلیغ در پوشش ارائه‌ی خدمات درمانی - آموزشی را بر ساخت اولیه‌ی کلیسا مقدم داشتند. در رابطه با راهکار نخست؛ فشارهای اجتماعی و عقب‌ماندگی درونی دو اقلیت زرتشتی و یهودی فرصت مناسبی در اختیار انجمن می‌گذارد تا همگام با پشتوانه‌ی سیاسی - مالی، ساخت مدرسه و توزیع اعانه را عوامل مؤثری در جذب آن‌ها تشخیص دهند. هم‌چنین گستردگی فعالیت بهایبان و نقش آن‌ها در ایجاد شبهه و تزلزل باور جامعه، یاریگر مبلغان عیسوی در به چالش کشیدن عقیده‌ی عمومی گردید.

به هر روی و باوجود استفاده‌ی مبلغان از هر راهکاری که احتمال رهیافت به مقصود را ممکن می‌ساخت، مقاومت اهالی در حفظ باورهای خود، انتظار انجمن به جذب گسترده‌ی نوکیش را تا حدی ناکام گذارد که نمی‌توان به خانواده‌ای از مسلمین و حتی اقلیت‌های مذکور اشاره نمود که با تغییر کیش، مسیحیت را اختیار کرده باشد.

منابع و مأخذ

- احمدی، حسین، (۱۳۷۸)، «لازاریست‌های فرانسوی در ایران؛ بررسی زمینه‌های حضور و عملکرد»، تاریخ معاصر ایران، س ۳، ش.
- اردلی، ورا، (۱۳۴۱)، *هنری مارتین*، ترجمه سهیل آذری، تهران، نورجهان.
- اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران*، تهران، زمینه.
- اشیدری، جهانگیر، (۲۵۳۵)، *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*، تهران، هوخ.
- افشار، ایرج، (۱۳۷۴)، *یادگارهای یزد*، ج ۲، تهران، انجمن آثار فرهنگی و خانه کتاب یزد.
- اوین، لئون اوژن، (۱۳۶۲)، *ایران امروز ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- برومند، صفورا، (۱۳۸۱)، *پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در دوره قاجاریه*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- بویس، مری، (۱۳۴۸)، *دیانت زرتشتی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- پیشدادی، جمشید، (۱۹۹۵م)، *خاطرات ۳۶۵ روز یا پاره‌ای از سنت‌های زرتشتیان در سده‌ی گذشته*، شرکت انتشارات چاپ نامحدود.
- تشکری، علی‌اکبر، «درآمدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوران قاجاریه»، مجله فرهنگ، ش ۱۳۸۴، ۵۶.
- تشکری، علی‌اکبر، «سلطان حسین میرزا جلال‌الدوله: نمادی از کارکرد قدرت در بافت اجتماعی ولایات عصر قاجار»، مجله تحقیقات اجتماعی، س چهارم، ش دوم، ۱۳۹۳.
- تشکری، علی‌اکبر، «شهاد صرافی و کارکرد تجارتخانه جمشیدیان»، مجله تاریخ ایران، سال سوم، ش ۶۴، ۱۳۸۹.
- تشکری، علی‌اکبر، «کارکرد انجمن تبلیغی کلیسا در عصر قاجار: موانع و راهکارها»، مجله تاریخ ایران، ش ۱۳، ۱۳۹۲.
- تیموری، ابراهیم، «مسعود میرزا نال السلطان و یک گفتگوی منتشر نشده از وی»، بخارا، س

۱۴، ش ۸۳، مهر و آبان، ۱۳۹۰.

جکسن، ابراهم. و ویلیامز، (۱۳۵۷)، *ایران در گذشته و حال*، ترجمه منوچهر امیری، فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی.

حائری، عبدالهادی، «*پیوند تاریخی کیش مسیح با استعمار غرب و نخستین ستیزه‌های فکری اندیشه‌گران ایران*»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۲۰، ش ۱ و ۲، ۱۳۶۶.

الدر، جان، (۱۳۳۳)، *تاریخ میسیون‌های آمریکایی در ایران*، ترجمه سهیل آذری، تهران، نورجهان.

دهقانی تفتی، ح.ب، (۱۹۹۹)، *یک چاه و دو چشمه: از تفت تا وینچستر*، لندن، کتاب‌های سهراب.

رایت، دنیس (۱۳۵۷)، *انگلیسیها در ایران*، ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، تهران، دنیا. رضوی، میرزا محمد (۱۳۸۸)، *خاطرات وکیل‌التولیه*، به کوشش علی اکبر تشکری بافقی، ج ۱، تهران، سخن.

سالنامه دبیرستان ایرانشهر یزد، دبیرستان ایرانشهر یزد، ۱۳۱۷-۱۳۱۶.

سالنامه فرهنگ یزد، دبیرستان و دبستان و کودکستان ایزد پیمان یزد، یزد، چاپخانه گلپهار یزد، ۱۳۲۸-۱۳۲۷.

سایکس، پرسی، (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار مایل در ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه.

سرسی، کنت دو، (۱۳۶۸)، *ایران در ۱۸۴۹ - ۱۸۴۰*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، ستاد انقلاب فرهنگی.

سفرنامه‌ی تلگرافچی، فرهنگ ایران زمین، ش ۱۹، س ۱۳۵۲، ۱۸.

فیضی، محمدعلی، (۱۲۷ بدیع)، *خاندان افغان سدره رحمان*، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری.

کربین، هنری، (۱۳۴۶)، *مکتب شیخی از حکمت الهی شیعی*، ترجمه فریدون بهمنیار، تهران، تابان.

کرزن، ناتانیل، (۱۳۴۹)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

گلشن، جلال، (۱۳۸۴)، *یزد دیروز: آداب، سنن و رخدادهای ۱۳۸۴-۱۳۰۴ ش*، قم، صحیفه خرد.

مدرسی چهاردهی، مرتضی، (۱۳۴۴)، *شیخ احمد احسائی*، تهران، علمی.

ناطق، هما، (۱۳۶۸)، *ایران در راه یابی فرنگی*، چاپ دوم، پاریس، خاوران.

نبیل زرنندی، (۱۹۹۱)، *مطالع الانوار*، ترجمه و تلخیص عبدالحمید اشراق خاوری، دهلی‌نو، مرآت.

یزد در اسناد امین‌الضرب، (۱۳۸۰)، به کوشش اصغر مهدوی، ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین.

Afrashteh, Reza, (1963), *Eduction and social Awakening: 1850-1960*, netherland, E.j. Brill.

Afshari, Reza, M. "The Historians of The Constitutional Movement and The Making of the Iranian Populist Tradition", *National Jornal of Middle East Studies*, vol25, NewYork, Cambridge, 1993.

Amanat, Abbas, (1936), *cities &trade: Consul Abbott on the Economy and Society of Iran 1847-1860*, London, Ithaca press.

Arasteh, Reza. (1963), *Education and social Awakening: 1850-1960*, Netherlands: E.j. Brill.

Arthur, Arnold, (1877), *Through Persia by Caravan*, vol 1, London, Tinsley Brothers.

Cash, W. Wilson, (1930), *Persia old and New*, London, Church Missionary Society.

Ebrahimnejad, Hormoz, (2004), *Medicine Public health and the Qajar state; Pattern of Midical Modernization in Nineteenth*, vol4,

Boston, Brill. Leiden.

Floor, Willem, (2012), "Hospitals in Safavid and Qajar iran: An Enquiry in to Their Number Growth and Importance", Hospitals in iran and india 1500-1950, Edited by: Fabrizio Speziale, Brill Academic.

Griffith, M.E.Hume, (1909), Behind the Veil in Persia and Turksh Arabia (Philadelphia, J.B. Lippincott) Company.

Laster, James.E, (1973), Christian Hymnody in Iran. Michigan, (university microfilms, a Xeros company, an Arbor.

Malcolm, Napier, (1908), Five Year in a Persian Town, London, John Murray.

Mary Bird in Persia. London: church Missionary Society. (1916), C.ClaraRice.

Richier, Julius, (1910), History of Protestant Missions in the Near East. NewYork: Fleming. H. Revell Company.

Robin.E, (1973), Christians in Persia, London, Gorge Allen and Unwin. Waterfield.

Savage Lander, Henry, (1903), A. Across Coveted Land A journey From Flushing- Holland to Calcutta, Overland, vol I, (NewYork, Charles) scribners and son.

Spellman, Kathryn, (2004), Religion and Nation: Iranian Local and Transnational Networks in Britain. New York: Berghahn Books.

Stileman, charles Harvey, (1902), the subjects of the shah or the land of pussycats and poverty, etiquette and error, rugs and ruins, sunshine and sadness, indolence and ignorance, apricots and apathy, London.Church Missionary Society.